http://dorl.net/dor/20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲
صفحه ۲۱۶-۱۹۷
نوع مقاله: پژوهشی

نمادشناسی گلیم سفره‌ی عشایر کرمانج خراسان شمالی

امید وحدانی‌فر(نویسنده‌ی مسئول)
دانشیار گروه آموزشی زبان و ادبیّات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران
o.vahdanifar@gmail.com
لادن دانشوری
دانشجوی زبان و ادبیّات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۰
پاییز و زمستان ۱۴۰۰

چکیده

رایج‌ترین هنر عشایر کرمانج بافت نوعی گلیم به نام «سفره‌ی کرمانج» است که بازگوکننده‌ی داستان زندگی یا باور و عقاید آن قوم است. این هنر مختص به کرمانج‌زبان‌های خراسان شمالی است و در شهرستان‌های بجنورد، فاروج، مانه و سملقان، شیروان و اسفراین رواج دارد. اگرچه سفره‌ی کردی امروزه کاربرد اصلی خود را از دست داده و به‌عنوان کفپوش استفاده می‌شود و یا جنبه‌ی تزئینی دارد، امّا کاربرد اوّلیه‌ی آن در گذشته محلّ قرار دادن نان بوده است. پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و با هدف بررسی نمادهای موجود در نقوش گلیم سفره‌ی عشایر قوم کرمانج خراسان شمالی به منظور زنده نگه‌داشتن نقوش و نمادهای قدیمی است که در معرض فراموشی و منسوخ شدن هستند، نگارش یافته است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که نقوش به کار رفته در سفره‌ی کردی قوم مذکور از تنوّع و اهمیّت معناشناسی بالایی برخوردارند و شامل چهار گروه هندسی، گیاهی، انسانی و حیوانی است که از این میان، نقوش حیوانی بیشترین کاربرد را دارد؛ زیرا متأثّر از زندگی کوچ‌نشینی قوم کرمانج است. در میان نقوش انسانی نقش‌مایه‌ی دختر بیشتر دیده می‌شود؛ به این دلیل که بافندگان اصلی سفره‌ی کردی زنان و دختران‌اند. نقش‌مایه‌ی درخت به سبب تقدّس داشتن و نشانه‌ی حیات و برکت بودن پرتکرارترین نقش گیاهی است. نقوش انتزاعی و هندسی نیز جنبه‌ی نمادین و تزئینی دارند.

واژه‌های کلیدی: نماد، گلیم، سفره‌ی کردی، کرمانج، خراسان شمالی.

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

Symbology of the table cloth of Kormanj nomads of North Khorasan

Omid Vahdanifar (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Human Sciences, University of Bojnord, Bojnord, Iran

o.vahdanifar@gmail.com

Ladan Daneshvari

student of Persian language and literature, Faculty of Humanities, University of Bojnord, Bojnord, Iran

Abstract

The most common art of the Kormanj nomads is the weaving of a type of carpet called "Kormanj table" which tells the story of the life or beliefs of that people. This art is specific to the Kermanj-speaking people of North Khorasan and is popular in the cities of Bojnord, Farouj, Mane and Samalghan, Shirvan and Esfrain. Although the Kurdish table has lost its main use today and is used as a floor covering or has a decorative aspect, its primary use in the past was to place bread. The present study was written in a library method with the aim of examining the symbols in the table cloth motifs of the Kormanj tribe of North Khorasan in order to keep alive the old motifs and symbols that are subject to being forgotten and obsolete. The findings of this research indicate that the motifs used in the Kurdish table of the mentioned people have a high semantic diversity and importance and include four geometric, plant, human and animal groups, of which animal motifs are the most used; Because it is influenced by the nomadic life of the Kormanj people. Among the human motifs, the figure of a girl is seen more often; Because the main weavers of the Kurdish table are women and girls. The tree motif is the most frequent plant motif due to its sanctity and being a sign of life and blessing. Abstract and geometric patterns also have a symbolic and decorative aspect.

Key words: symbol, carpet, Kurdish table, Kormanj, North Khorasan.

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۰
پاییز و زمستان ۱۴۰۰

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

مقدمه

نماد یکی از ابزارهای معرفت و کهن‌ترین و بنیادی‌ترین روش بیان ایده محسوب می‌شود؛ ابزاری که موجب آشکار شدن مفاهیمی می‌شود که به صورت دیگری قابل بیان نیستند. نمادها نه فقط جهانی هستند بلکه در طول اعصار باقی‌مانده و تا به امروز رسیده‌اند. نمادها می‌توانند هم معنای باطنی و همچنین مفهوم ظاهری داشته باشند. از این‌رو، بدیهی‌ترین و معمولی‌ترین تفسیر به‌طور الزام کامل نیست و نیمی از حقیقت است. در واقع، نماد می‌تواند هم آشکار و هم پنهان باشد. به همین دلیل، نمادگرایی برای ذهن بشر اساسی است و نادیده انگاشتن آن موجب عدم درک معانی و مفاهیم موجود در آن می‌شود (کوپر، ۱۳۷۹: ۳۴-۳۷). یک نماد کامل همه‌ی ابعاد انسان، روح، عقل و احساسات را اقناع می‌کند. تاریخ سمبولیسم نشان می‌دهد که هر چیز می‌تواند اهمیّت سمبولیک پیدا کند؛ اشیاء طبیعی مانند سنگ‌ها، گیاهان، حیوانات، کوه‌ها، خورشید و ماه یا حتّی اشکال مجرّد مانند اعداد، مثلث، مربع و دایره (شوالیه و گبران، ۱۳۷۹: ۱۳). درواقع تمام جهان یک سمبل بالقوه است.

اقوام گوناگونی از جمله ترک، تات، ترکمن و کرمانج در خراسان زندگی می‌کنند امّا بیشتر ساکنان شمال خراسان، کرمانج‌ها هستند. در شمال خراسان از اواخر صفویّه، دوره‌ی نادری، زندیّه و به‌خصوص در زمان فتحعلی‌شاه قاجار تعداد و قدرت کردها چنان زیاد بود که بسیاری از جهانگردان و برخی از نویسندگان ایران، شمال خراسان کنونی (قوچان، شیروان، درگز و بجنورد) را کردستان یا کردستان شمال شرقی می‌نامیدند (پاپلی یزدی، ۱۳۷۱: ۸۰). کردهای شمال خراسان که اصطلاحاً به آن‌ها «کرمانج» گفته می‌شود، از جمله عشایری هستند که در دوره‌ی صفویّه از قسمت‌های غربی به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. از آن‌جا که در دوره‌ی صفویّه مرزهای شرقی خراسان دائماً ناامن بوده و مورد تهاجم اقوام ازبک و ترکمن قرار گرفته بود، کردها به منظور جلوگیری از هجوم بیگانگان به خراسان کوچانده شدند (توحّدی، ۱۳۷۱: ۲۵). تمام جهانگردانی که از اواخر دوران صفویّه تا اواخر دوره‌ی قاجاریه به شمال خراسان مسافرت کرده‌اند، اکثر جمعیّت این خطّه را کرد زبان دانسته‌اند. «باید دانست که حتّی در زمان صفویّه درصد مهمّی از این کردها یکجانشین بوده‌اند، منتهی در طول زمان این درصد افزایش یافته است» (پاپلی یزدی، ۱۳۷۱: ۸۱)، امّا امروز درصد ناچیزی از مردم کرد شمال خراسان کوچ‌نشین هستند. با یکجانشینی این اقوام در منطقه‌ی شمال خراسان تغییرات فرهنگی و اجتماعی زیادی روی داده است. البتّه هنوز هم برخی از سنّت‌ها و باورهای موجود در میان کردهای اسکان‌یافته در شمال خراسان را می‌توان یافت که ریشه در زندگی عشایری دارد و از یاد نرفته است؛ یکی از این موارد گلیم سفره‌ی کردی است که نقوش به‌کار رفته در آن مانند منبعی است که به ما در فهم باورها و سنّت‌ها رایج در میان قوم کرمانج کمک می‌کند و مانع از فراموش شدن آن‌ها می‌شود. نمادها در سفره‌ی کردی همگی بیانگر کرامت قومی و احترام به طبیعت هستند و نقوش آن‌ها درواقع نقش‌های کهنی هستند که در نوع خود بی‌نظیر هستند.

گلیم‌ها از گذشته مورد توجّه و استقبال مردم ایران بوده است و حتّی به مرور زمان بعضی از افراد خارجی نیز نسبت به استفاده و شناخت آن علاقه نشان داده‌اند. از جمله هنرهایی که هنوز در بین کردهای شمال خراسان کم و بیش دیده می‌شود، گلیم سفره‌ی کردی است. موضوع این پژوهش بررسی ساختار، نقوش به‌کار رفته و همچنین تحلیل معانی و نمادشناسی گلیم سفره‌ی کردی خراسان شمالی است که می‌تواند بازگوکننده‌ی نگرش و باور خالقان خود باشد. از این‌رو، در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ دادن به سؤالات زیر هستیم:

۱- گلیم سفره‌ی کردی چیست و چه ساختاری دارد؟

۲- گلیم مذکور دارای چه نقوشی است و هر نقش دارای چه مفهوم و نمادی است؟

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

۳- کدام نقوش در گلیم سفره‌ی کردی بیشتر تکرار شده‌اند و دلیل آن چیست؟

این پژوهش با هدف زنده نگه داشتن نقوش و نمادهای قدیمی موجود در سفره‌ی کردی خراسان شمالی که در معرض فراموشی و منسوخ شدن هستند، نگارش یافته تا قدمی هر چند کوچک در راستای احیای فرهنگ و هنر این خطّه از ایران برداشته شود.

پیشینه‌ی پژوهش

پیرامون رنگ‌ها، نقوش و نمادهای گلیم و سفره‌ی کردی به صورت پراکنده کتاب، مقالات و پایان‌نامه‌هایی نوشته‌شده امّا پژوهش جامع که به نمادشناسی گلیم سفره‌ی کردی در هر چهار دسته‌ی حیوانی، انسانی، گیاهی و انتزاعی پرداخته باشد، نگارش نیافته است. برخی از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه عبارتند از: ذوالفقاری کیکانلو (۱۳۹۷) در کتاب سفره‌ی کردی خراسان به بررسی ساختار گلیم سفره‌ی کردی و نقوش آن و در مواردی به نمادشناسی برخی از این نقش‌ها پرداخته است. صادقی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ی «نمادشناسی نقوش حیوانی در گلیم کردستان» با روش میدانی و کتابخانه‌ای به بررسی نمادشناسی نقوش حیوانی در گلیم کردستان پرداخته‌اند. نویسندگان در این پژوهش چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که در گلیم روستاها و چادرهای عشایری استان کردستان بیشتر از رنگ‌های روشن استفاده می‌شود و نقش‌های حیوانی و گیاهی در آن به شیوه‌ی جالبی به تصویر درآمده است. همچنین اشاره کرده‌اند که کار بافندگی در کردستان را زنان به عهده دارند و بافته‌ها عمدتاً مصرف خانگی دارد.

فهیمی‌فر و صفی‌پور (۱۳۹۹) در مقاله‌ی «بررسی نقوش گلیم سفره‌ی کردی شمال خراسان» با روش میدانی به بررسی نقوش گلیم سفره‌ی کردی شمال خراسان پرداخته‌اند و بیشتر گلیم سفره‌ی کردی را از نظر کاربردی و زیبایی‌شناسی بررسی کرده‌اند. بنا بر نتیجه‌گیری آنان در حال حاضر برخی از بافندگان به الگوهای قدیمی خود پایبند نیستند امّا با این حال هنوز هم در بیشتر موارد همچنان از نقوشی بهره می‌گیرند که بیانگر ساختار زندگی اولیه‌ی کردهای این منطقه یعنی کوچ‌نشینی است و تغییر شکل نقوش با تغییر در نحوه‌ی زندگی در این منطقه مرتبط است. مردانی (۱۳۹۹) در مقاله‌ی «گونه‌شناسی نقش‌مایه‌های طبیعی گلیم کرمانجی»، با روش میدانی و کتابخانه‌ای نقوش مندرج در گلیم‌ها را از منظر ویژگی‌های گلیم کرمانجی، طبیعت‌گرایی در گلیم کرمانجی و نقش‌نماها و نمادهای به کار رفته در آن‌ها مورد بررسی قرار داده است. نتیجه‌ی این پژوهش چنین بوده که گلیم کرمانجی به روشنی جلوه‌گاهی برای تجلّی جهانبینی عشایر است. در این پژوهش نویسنده نقش‌مایه‌های گلیم کرمانجی را از نظر موضوعی در سه گروه: نقش‌های طبیعی، نقش‌های برگرفته از ابزار و وسایل زندگی و ریزنقش‌های هندسی مورد بررسی قرار داده است. بنابراین، در این پژوهش تنها به بررسی نقوشی پرداخته شده که برگرفته از طبیعت است.

هاشمی (۱۴۰۱) در مقاله‌ی «بررسی نمادهای کلیدی در نقوش گلیم‌های عشایر منطقه‌ی خراسان» با روش توصیفی- تطبیقی به بررسی تطبیقی نمادها و نقوش طبیعی، جانوری، انسانی و انتزاعی در گلیم‌های عشایر کرمانج، ترکمن و سنگسر خراسان و مقایسه‌ی آن‌ها پرداخته و در مفهوم نمادهای کلیدی از نظریّه‌ی اورتنر استفاده کرده است. اطّلاعات این پژوهشگر از طریق کتابخانه‌ای گردآوری شده و در پایان، نتیجه‌گیری وی به این صورت است که با وجود تفاوت در کاربرد نقش‌مایه‌ها، نمادهای کلیدی طبیعی و حیوانی در عشایر کرمانج، ترکمن و سنگسر، کاربرد فراوانی داشته و گاه تنها با عوض شدن نام یا تلفّظ یک نقش‌مایه مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین به واسطه‌ی هم‌جواری و تعاملات فرهنگی صورت گرفته بین آن‌ها شاهد تأثیر و تأثّرات متقابل

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

آن‌ها در نقش‌مایه‌ها هستیم. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های نزدیک به آن در بررسی وسیع‌تر این نقوش از منظر نمادشناسی است. درواقع، مقاله‌ی پیش‌رو به شکل گسترده و متنوّع‌تری به بررسی نقوش و نمادشناسی موجود در گلیم سفره‌ی کردی پرداخته است.

■ مبانی نظری

● نماد و انواع آن

واژه‌ی نماد ترجمه‌ی symbol است که در اصل از واژه‌ی یونانی symbolon گرفته شده و به معنی «تکّه سنگ» است. معنای ضمنی آن از آن‌جا نشأت گرفته است که در یکی از آیین‌های یونانی کوزه‌ای را چند تکّه می‌کردند و میان گروهی از افراد هم‌آیین پخش می‌کردند. هنگامی که گروه می‌خواست گرد هم آید، هر یک تکّه‌ی کوزه‌ی خود را می‌آورد و به هم متّصل می‌کردند و از این طریق عضویّت خود را در آن انجمن نشان می‌دادند. به عبارتی، هر تکّه کوزه‌ی آن فرد عضو به شمار می‌آمد (شجاعی، ۱۳۹۳: ۲۳). همچنین نماد یا رمز، به لب یا به ابرو و یا به زبان اشارت کردن است و در زبان فارسی به معانی مختلفی چون ایما، دقیقه، نکته، اشاره، معمّا، چیز نهفته میان دو یا چند کس و بیان مقصود با نشانه‌ها و علایم قراردادی به‌کار می‌رود.

در واقع، نماد نام یا حتّی تصویری است که می‌تواند نماینده‌ی چیز مأنوسی در زندگی روزانه باشد و علاوه بر معنای معمول و آشکار خود، معنای تلویحی خاصی را نیز داشته باشد. به عبارت دیگر، نماد، معرّف چیزی مبهم، ناشناخته یا پنهان از ماست. وقتی واژه یا شکلی نمادین تلقّی می‌شود، بر چیزی بیش از معنای آشکار و مستقیم خود دلالت دارد (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۲ و ۹). گوبران، نماد را عبارت از چیزی می‌داند که به دلیل ارتباط با چیزی دیگر به آن معنا می‌بخشد یا نماینده‌ی آن است (گوبران، ۱۳۷۸: ۲۴). بنابراین، نماد تنها محدود به نوشتار نیست بلکه شامل محدوده‌ی وسیعی از تصاویر، نشانه‌ها و رمزگان‌هایی است که در بافت کلان فرهنگی و اجتماعی معنادار می‌شود.

نماد به مثابه‌ی مظهر عینی اندیشه‌های انتزاعی انواع مختلفی دارد. اریک فروم، نماد را به سه نوع نمادهای قراردادی (conventional)، نمادهای تصادفی (accidental) و نمادهای جهانی و همگانی (universal) تقسیم می‌کند و همه‌ی نمادهایی را که در زندگی به کار برده می‌شود با این سه نوع تفسیر می‌کند (فروم، ۱۳۵۵: ۲۱). در یک تقسیم‌بندی دیگر، نمادگرایی در دو قطب استعاری و مجازی محصور می‌شود. در واقع، نمادپردازی یا استعاری است یا مجازی. در استعاره گذر از هر موضوعی به موضوع دیگر بر اساس مشابهت صورت می‌گیرد و در مجاز این گذر بر اساس مجاورت انجام می‌شود (اصلانی، ۱۳۸۶: ۱۵). در این نظریه تمامی این دلالت‌ها برای رسیدن به معنای ضمنی توسّط مناسبت‌های تداعی صورت می‌گیرد؛ یعنی علایق ملازمت و هم‌پیوندی، مجازهای مجاورت و هم‌جواری، مجازهای مشابهت و همانندی (شیری،۱۳۹۱: ۱۳۹) و گاهی هیچ‌کدام از آن‌ها مدخلیت ندارد و این رابطه صرفاً قراردادی است. همچنین در آثار هنری می‌توان نمادها را به دو دسته‌ی نمادهای مستتر و نمادهای کلیشه‌ای[1] تقسیم کرد.

در ادبیّات فارسی نماد نقش بسیار برجسته‌ای دارد. به بیان دیگر، می‌توان گفت که ادبیّات چیزی جز نماد نیست، نمادگرایی در طول حیات بشر بیشترین تأثیر را در انتقال و جایگزینی مفاهیم در ذهن مخاطبان خود داشته‌است. به گفته‌ی جنید بغدادی «کلامنا اشاره»، سخن ما اشاره‌ای است. اشاره‌ای بودن کلام نشان از همان ظرفیّتی است که ادبیّات را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل انتقال فرهنگ می‌سازد (فرزاد، ۱۳۷۸: ۱۷).

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

■ تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

● گلیم سفره‌ی کردی و ساختار آن

سفره در ادبیات فارسی به دو شکل دیده می‌شود: ۱- پارچه‌ی گسترده که بر آن خوردنی و نوشیدنی می‌نهاده و بدان «دستارخوان» هم می‌گفتند که سفره‌ی امروزی احتمالاً همان سفره‌ی درازی بوده است که بالای خوان (طبق چوبی بزرگ) می‌گستردند. ۲- شکل دیگر به صورت سفره‌ی امروزی نبوده بلکه پارچه‌های مدوّری بوده است که سر آن را با بند یا ریسمانی می‌بستند (اکبرزاده، ۱۳۸۹: ۱۲۲-۱۲۳). آن چه در این‌جا مدّ نظر است شکل اوّل است.

زرتشتیان سفره را نماد سپندارمذ (پاسداری از زمین) می‌دانند و در آن نمادهایی را با هدف‌های تعیین‌شده و آرمانی می‌چینند. استمرار این سفره‌ها را بعد از اسلام تا امروز به شکل مذهبی در روضه‌های خاص همچون مراسم سوگواری ائمه می‌توان دید که زنان برگزارکننده‌ی آن هستند. سفره همواره بدان جهت که محلّ نگهداری نان به‌عنوان رزق و روزی و برکت بوده، مورد احترام بوده، چنان‌که امروزه نیز در خراسان اگر کسی پا روی سفره بگذارد، کار ناپسندی انجام داده است. از گذشته پارچه‌های تمیز را برای قرار دادن نان به‌عنوان سفره استفاده می‌نمودند. در بین کوچ‌نشین‌ها بنا به ضرورت سفره‌ها از مقاومت بیشتری برخوردار بوده و به شکل ضخیم‌تری از جنس گلیم ساخته می‌شد که در مناطق مختلف کشور نمونه‌هایی از آن را می‌توان دید. در میان کوچ‌نشینان خراسان، زنان وظیفه‌ی تهیه‌ی نان را دارند. آنان هنگام برداشتن آرد و آماده کردن خمیر «بسم‌الله» می‌گویند و باید پاک باشند. اگر زنی نتواند این کار را انجام دهد، مادرشوهر یا دختر بزرگ یا یکی دیگر از زنان وظیفه‌ی او را به عهده می‌گیرد (فهیمی‌فر و صفی‌پور، ۱۳۹۹: ۱۱۳).

سفره‌ی کردی که جنس آن پشم است و امروزه اغلب به‌عنوان کفپوش از آن استفاده می‌شود، در گذشته‌ی نه چندان دور کاربرد دیگری داشته است. زنان عشایر دو نوع سفره داشتند: یک نوع آن برای تهیه‌ی خمیر نان بوده که طرح و نقش خاصی نداشته است؛ زیرا تماس با آن نمی‌گذاشت که طرح و نقش آن دیده شود، امّا نوع دیگر که به‌عنوان سفره‌ی غذاخوری بود با دقّت و ظرافت بیشتری بافته می‌شد؛ زیرا علاوه بر این که محلّ نگهداری نان بوده، از طرفی نشان‌دهنده‌ی ذوق و سلیقه‌ی زنان بافنده‌ی خانواده نیز بوده است تا این‌که مهمانان و افراد خانواده هنگام صرف غذا از نقوش و تزئینات مندرج در آن نیز لذّت ببرند (فیاضی، ۱۳۸۶: ۴۵). از زمانی که سفره‌های جدید (پلاستیکی) رایج شده است، سفره‌ی کردی کاربرد پیشین خود را ندارد و آن‌چه باعث این تغییر کاربری شده، مطمئناً ریشه در تغییر سبک زندگی مردمان این مناطق و آشنایی با فرهنگ شهرنشینی دارد. سفره‌ی کردی با این‌که ذهنی بافت است، امّا دارای ساختاری منظّم و منسجم است که در این قسمت، بخش‌های مهم و اصلی آن معرّفی می‌شود؛ «به ترتیب از ابتدای بافت: ۱- گلیمک (ساده‌بافی ابتدای گلیم) ۲- ملیله ۳- حاشیه‌های کوچک و حاشیه‌ی بزرگ که مانند یک قاب دور تا دور گلیم را در بر می‌گیرد ۴- نقش مکمّل ۵- قاب‌های گلیم ۶- نقوش انگشتی» (ذوالفقاری کیکانلو، ۱۳۹۷: ۴۹). در تصویر زیر بخش‌های مذکور به وضوح نمایان است:

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

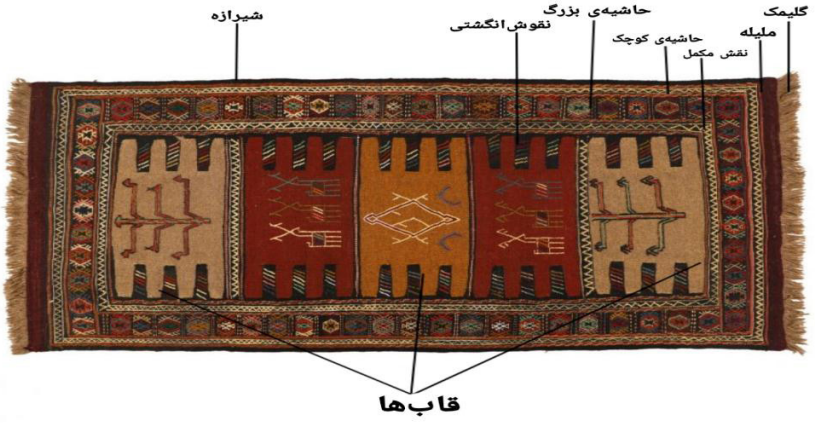

تصویر ۱- ساختار گلیم سفره‌ی کردی

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۰
پاییز و زمستان ۱۴۰۰

نمادها در نقوش گلیم سفره‌ی کردی

نمادها گاه مفاهیم متفاوتی را برای بازماندگان فرهنگ‌های گوناگون بازنمایی می‌کنند. حتّی در درون یک فرهنگ نیز نمادها در گذر از نسلی به نسل دیگر ممکن است معانی تازه‌ای بیابند. امّا هر بازتعریف از یک نماد ابتدا نیاز به پذیرش جمعی دارد؛ بنابراین، معانی نمادین بر پایه‌ی قراردادهای اجتماعی در یک فرهنگ درونی می‌شوند. شکل‌گیری نمادها یک روند آگاهانه نیست بلکه بر عکس از راه مکاشفه یا شهود از دل ناخودآگاه تولید و بیرون داده می‌شود. اغلب اوقات نمادها به‌طور مستقیم از رؤیاها نتیجه می‌شوند یا از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند که این‌گونه نمادها پر از انرژی روانی و دارای نفوذی جبری و مقاومت‌ناپذیر هستند. از این‌رو، نماد نه تنها باید بیانگر خیال‌پردازی‌های خودآگاهانه‌ی تکنولوژیک و فلسفی انسان باشد بلکه باید از ژرفای سرشت حیوانی او نیز خبر دهد. در واقع باید تقلیدی از کلیّت انسان و بازگوکننده‌ی همان باشد (طاهری، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۲). نقوش به‌کار رفته در سفره‌ی کردی به‌طور کلّی به دو دسته‌ی طبیعت‌گرا و انتزاعی تقسیم می‌شود؛ طبیعت‌گرا شامل سه گروه انسانی، گیاهی و حیوانی است و انتزاعی نیز گروه هندسی را شامل می‌شود که در ادامه به بررسی هر یک از آن‌ها در سفره‌های دست‌بافت کردی پرداخته می‌شود:

- نمادهای انسانی

نمادهای انسانی در شمار نقوش طبیعت‌گرا هستند که به کاربرد آن در سفره‌ی کردی پرداخته می‌شود: «از جمله نقوش انسانیِ که در سفره‌های کردی می‌توان یافت، نقش دختر و پسر است. نقش دختر با نام و گویش محلّی کرمانجی «گچک»، به مراتب بیشتر از نقش پسر یعنی «لائوک»، دیده می‌شود (فهیمی‌فر و صفی‌پور، ۱۳۹۹: ۱۱۵). نقش زَن و دختر در سفره‌ی کردی بیشتر «زن را با دامن پرنقش و نگارتر و خطّها و نوارهای بیشتر روی دامن نشان می‌دهند و دختر را با دامنی کوچک‌تر و خطّهای کمتر روی دامن می‌بافند که به روایتی، هر خطّ روی دامن زنان نشان‌دهنده‌ی تعداد فرزندان است (ذوالفقاری کیکانلو، ۲۲:۱۳۹۷). در گلیم‌های عشایر کرمانج نقش‌مایه‌ی انسانی معمولاً مؤنث بوده که نشان از اهمیّت نقش زن در اعتقادات آنان دارد که این نقوش گاه به صورت کامل و گاه فقط بخشی از بدن (مثلاً انگشتان دست) را نمایش می‌دهند (هاشمی، ۱۴۰۱: ۵۶).

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

همچنین در میان عشایر کرمانج اعتقادی وجود دارد که در جشن‌ها و مراسم‌های مختلف شادی همچون عروسی، ختنه‌سوران و غیره، افسار شتر تزئین‌شده با بافت‌های زیبا را به دست دختری از طایفه می‌دادند (همان: ۶۰). از این‌رو، چنین نقوشی نیز در میان سفره‌ی کردی به‌کار می‌رفته است. در مجموع از آن‌جایی که زن نماد زندگی است، قوم کرمانج به شکل نمادینی زندگی را با شادی و خوشبختی همراه می‌کردند و از تصویرهای گوناگون آن در نقوش سفره‌ی کردی بهره می‌گرفتند. در تصویر زیر نقش دختر در گلیم سفره‌ی کردی نشان داده می‌شود:

تصویر ۲- نقش دختر در گلیم سفره‌ی کردی

از دیگر عناصر اصلی و مهم سفره‌های کردی، نقش انگشت است که در گویش محلّی کرمانجی به «بیجک» معروف است؛ این نقش در کناره‌های طولی گلیم بافته می‌شود. این نوع از گلیم‌های کردی در بازار علاوه بر سفره‌ی کردی با نام‌های «گلیم انگشتی» و «پیش‌انداز» نیز شناخته می‌شوند (کمندلو، ۱۳۹۳: ۱۰۷). برخی از تولیدکنندگان، این انگشت‌ها را نماد وحدت یا شب و روز می‌دانند. همچنین می‌تواند بیان‌کننده‌ی دست‌های مهمان‌هایی باشد که در یک جشن دور تا دور سفره جمع شده‌اند (کمندلو، ۱۳۹۵: ۲۷۲). در تصویر زیر گلیم انگشتی مشاهده می‌شود:

تصویر ۳- نقش انگشتی در گلیم سفره‌ی کردی

نقش‌مایه‌های دختر (گَچک) و انگشت (بیچک) در گلیم سفره‌های کردی اشاره به باور و اعتقاد کرمانج‌ها به باروری، برکت و زایش دارد. این اعتقاد در باور کهن کرمانج خود را در شکلی نمادین جلوه‌گر ساخته که در آن یک دختر باکره آتش اجاق کلبه یا چادر تازه احداث‌شده را برای نخسین‌بار روشن می‌کند تا برکت همواره در آن کلبه جاری باشد.

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۰
پاییز و زمستان ۱۴۰۰

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

- نمادهای گیاهی

استفاده از نقش‌مایه‌های گیاهی از هزاره‌های قبل در مُهرها، سفالینه‌ها و نقوش کنده‌شده بر سنگ دیده می‌شود و شاید بتوان کاربرد آن را از زمان اهمیّت یافتن کشاورزی در عصر نوسنگی بیان کرد (هاشمی، ۱۴۰۱: ۵۷). نقوش گیاهی در سفره‌ی کردی به شکل درخت و درختچه دیده می‌شود که از طبیعت تأثیر پذیرفته است؛ این نقوش شاید دقیقاً مشابه‌ی عینیّت خود نباشند ولی فاقد مفهوم دوگانه‌ای هم است. آشناترین موتیف روی گلیم کردی نقش درخت مقدّس یا همان درخت زندگی است که در جای جای انواع هنرها نیز به چشم می‌خورد.

چون درخت ریشه‌های آن در زمین فرومی‌رود و شاخه‌های آن در آسمان بالا می‌رود به‌عنوان نماد ارتباطی میان زمین و آسمان‌ها شناخته شده است و دلیل همین تقدّس نمادین وجود دو پرنده به حالت صورت به صورت در دو طرف درخت با هدف محافظ آن درخت زندگی به چشم می‌خورد که همیشه در حال پاسداری از زندگی و خوبی هستند. درخت نماد فناناپذیری است؛ انسان با میوه‌ی افسانه‌ای درخت به زندگی جاودان دست نمی‌یابد امّا با نقش کردن آن، امید به زندگی پس از مرگ را دارد. ادیانی که خدای واحد را باور دارند اغلب از این نماد استفاده می‌کنند و جالب است که در خانه‌های روستایی گلیم‌هایی با این نقش را از پایین به بالا می‌آویزند؛ این عمل نشانگر چنین اعتقادی است که ریشه‌های این درخت در بهشت، یعنی منبع همه‌ی قدرت‌ها جای دارد و به وسیله‌ی شاخه‌های آن به زمین منتقل می‌شود (ذوالفقاری کیکانلو، ۱۳۹۷: ۱۰۶-۱۰۷).

درخت در سفره‌ی کردی فقط به‌عنوان یک نقش در متن آن به کار نمی‌رود بلکه ریشه در اعتقادات قوم کرمانج دارد؛ زیرا کردها به درختان از جمله درخت «اُرس» احترام زیادی می‌گذارند تا به آن جا که پارچه‌های رنگی را که هر یک بر خود حاجتی دارند، بر شاخه‌های آن درخت گره می‌زنند. به‌طور کلّی درخت نشانه‌ی حیات و زندگی است. از این‌رو، در بسیاری از فرش‌های به جا مانده از قرون مختلف نیز وجود نماد درخت قابل تأمّل است. درخت زندگی روی گلیم‌های کردی صورت‌های متفاوتی دارد که هر کدام نماد و مفهوم به خصوصی را دنبال می‌کند؛ از جمله:

- درخت، محراب و نور: به معنای ارتباط عالم زیرین با جهان ملکوتی، وحدت، حیات دوباره و زندگی جاودانه.
- درخت و سبو (کوزه): نماد برکت و باروری.
- محافظان درخت: نماد برکت، باروری و گردش فصول.
- درخت و نیلوفر: نماد زندگی، آفرینش و حیات دوباره.
- درخت و سیمرغ: نماد آفرینش، باروری و رحمت الهی.

- **نقش‌مایه‌ی باغی:** در نماد تجسّم بهشت به‌کار می‌رود (عابددوست و کاظم‌پور، ۱۳۸۸: ۱۳۷). از دیگر نقوش گیاهی به‌کار رفته در گلیم سفره‌ی کردی می‌توان به گُل‌ها که با تفکّرات همیشه بهار بودن استفاده می‌شده و بوته‌ها اشاره کرد. شاید بی‌راه نباشد که بگوییم در گذشته نقش گُل در دست‌بافته‌هایی که در فصل بهار و تابستان تولید می‌شد به کار می‌رفت امّا نقش درخت همیشه در دست‌بافته‌ها به چشم می‌خورد که خاصّ منطقه یا موقعیّت زمانی خاصّی نیست. این نوع کاربرد نقوش درخت و گُل نشان‌دهنده‌ی این است که برعکس احترام به درخت به‌عنوان نمادی مقدّس، برای گُل‌ها تقدّس خاصّی در نظر گرفته نشده است. از نقش قاصدک نیز به‌عنوان نماد پیام‌رسانی و خوش‌خبری در حاشیه و متن گلیم کردی استفاده می‌شود. در دشت و صحرا قاصدک به خاطر زیبایی و تفاوت با سایر گیاهان مورد توجّه بافندگان قرار می‌گرفت (ذوالفقاری کیکانلو، ۱۳۹۷: ۱۰۸-۱۱۰). در زیر به نمونه‌هایی از نقوش به‌کار رفته از درخت، گُل، قاصدک و بوته در گلیم‌های کردی اشاره می‌شود:

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

تصویر ۴- نقشِ درخت در گلیم سفره‌ی کردی

تصویر ۵- نقشِ درخت و پرندگانِ محافظ در گلیم سفره‌ی کردی

تصویر ۶- نقشِ بوته در گلیم سفره‌ی کردی

تصویر ۷- نقشِ گُل در گلیم سفره‌ی کردی

تصاویر ۸- نقش قاصدک در گلیم سفره‌ی کردی

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۰
پاییز و زمستان ۱۴۰۰

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

- نمادهای جانوری

حیوانات تصویرشده در بافته‌های عشایر کرمانج به سه بخش تقسیم می‌شوند: یکی حیوانات اهلی که در زندگی روزمره‌ی آن‌ها نقش اساسی دارند؛ نظیر گوسفند، بز، شتر، اسب، قاطر، الاغ، سگ، مرغ و خروس. دوم حیواناتی که در حین کوچ یا اطراق آن‌ها را دیده و تأثیر می‌گیرند؛ مانند انواع پرندگان همچون عقاب، کلاغ، گنجشک و حیواناتی مانند بزکوهی، گوزن، روباه، پروانه و غیره. سوم حیواناتی که گاه مستقیماً با آن‌ها در تماس نبوده و در ذهن و خیال بافنده حضور دارند؛ مانند عقرب، خرچنگ و پرندگان اساطیری مانند سیمرغ (هاشمی،۱۴۰۱: ۵۶). در ادامه به رایج‌ترین جانورانی که نقش آن‌ها در سفره‌های کردی به‌کار رفته اشاره می‌شود: مار: مار، جانوری با ویژگی‌های عجیب، متناقض و اسرارآمیز است. پوست‌اندازی مار در نظر انسان حاکی از این است که پیوسته جوان می‌شود و عمر دوباره می‌یابد. این جانور خزنده از ادوار پیش از تاریخ به طور گسترده پرستش می‌شد و نمادی دینی با مفاهیم وسیع و متنوّع به‌شمار می‌رفت (هال، ۱۳۹۰: ۹۳). در افسانه‌های کردی گفته‌شده که مار محافظ باغ انگور و میوه‌های دیگر است. همچنین مار نمادی از قدرت، راز و دانش پنهان است. در تصویر زیر نقش مار در بافته‌های کرمانجی مشاهده می‌شود:

تصویر ۹- نقش مار در گلیم سفره‌ی کردی

بز: بافندگان کرمانج حیواناتی مانند بز، قوچ و میش را که از چهارپایان حلال گوشت هستند، تقریباً به یک شکل می‌بافند. قوچ در تمدّن شرقی دارای ارزش والایی است؛ این حیوان مظهر تواضع، وقار، نیرومندی و همچنین نماد خورشید است (ایرانی ارباطی و خزائی، ۱۳۹۶: ۲۴). آن‌چه اهمیّت این دسته از حیوانات را بیشتر می‌کند، نقش شاخ به‌عنوان نماد باران است که در سفره‌ی کری در قسمت حاشیه‌ی آن بسیار دیده می‌شود. در فرهنگ کرمانج بز مذکر نماد وفور، نیروی حیاتی و انرژی آفریننده است و بز ماده نشان‌دهنده‌ی نیروی تولید مثل و باروری است (ذوالفقاری کیکانلو، ۱۳۹۷: ۹۷). در تصاویر زیر نقش قوچ و بز در سفره‌ی کردی نمایان است:

تصاویر ۱۰- نقوش قوچ و بز در گلیم سفره‌ی کردی

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۰
پاییز و زمستان ۱۴۰۰

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

سگ: سگ در میان کردها دارای دو جنبه‌ی دینی و اسطوره‌ای است. این نقش حیوانی در متن گلیم کردی استفاده می‌شود. اوّلین کارکرد اسطوره‌ای شناخته‌شده‌ی سگ همانا وظیفه‌ی راهنمایی ارواح است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۹: ۵۴). نقش سگ، نگهبان و مراقب، نماد وفاداری و پیام‌آور خدایان بی‌شمار در هنر بسیاری از تمدن‌ها است (هال، ۱۳۹۰: ۵۲). این نقش در دست‌بافته‌های کردی به دلیل عجین‌شدن این حیوان با فرهنگ و باورهای روستاییان بافته شده است. سگ نماد وفاداری است و در میان کردها این وفاداری را (سفەت) می‌گویند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۲). در تصویر زیر نقش سگ دیده می‌شود:

تصویر ۱۱- نقش سگ در گلیم سفره‌ی کردی

کلاغ[۲]: در اصطلاح بومی کردی به کلاغ «قشقەره» گفته می‌شود که گاه در باور کردها پیام‌آور خبری مهم است. کلاغ در فرهنگ عامّه‌ی کرد نماد مرگ، تاریکی، پیکِ اخبار ناخوش است. کلاغ نماد هوا هم است (یاحقی، ۱۳۶۹: ۳۱۵). نقش‌مایه‌ی کلاغ هم در متن گلیم به صورت تکی و هم به صورت چند کلاغ در یک ردیف دیده می‌شود (فهیمی‌فر و صفی‌پور، ۱۳۹۹: ۱۱۷). حیوان دیگر جغد است که نقش آن در سفره‌ی کردی به‌کار می‌رفته است. «این پرنده از روزگار پیشین نماد بدیمنی و پیام‌آور مرگ بود» (هال، ۱۳۹۰: ۴۲). این نگاره بیشتر در متن گلیم‌ها بافته می‌شود. جغد را در اصطلاح محلّی «بایه قوش» می‌گویند. جغد نماد ویرانی است و صدایش از حوادث بد خبر می‌دهد (رستمی‌نژادان، ۱۳۹۲: ۹۷). نگاره‌ی دیگر کبوتر[۳] است، «نقش کبوتر دارای معانی نمادین مختلف مانند آزادی، آرزو، آسمان، تناسخ روح و... است» (یاوری، ۱۳۸۹، ۱۰۵). کبوتر یا کبک یکی از پرندگانی است که در ادبیات و اشعار عاشقانه و مردمی کردها، جایگاه منحصر به فردی دارد. در گلیم سفره‌های کردی نیز نماد جوانی، زادگاه و سرزمین مادری است.

نقش‌مایه‌ی دیگر حیوانی، مرغ و خروس است؛ خروس یکی از نقوش پرکاربرد در متن سفره‌ی کردی است؛ خروس را سمبل طول عمر و نیک‌روزی می‌دانند و به خاطر سحرخیزی این پرنده مورد توجّه بافندگان قرار گرفته است و در گلیم سفره‌ها با جزئیّات بیشتری به آن پرداخته شده است. بافنده جزئیّاتی همچون کاکل، لاله و پاهای خروس را ترسیم می‌کند و دم خروس را با رنگ‌های مختلف به زیبایی می‌بافد. بافنده مرغ را هم در کنار خروس و به نسبت آن مرغ را ساده‌تر و با رنگ‌های کمتری می‌بافد (ذوالفقاری کیکانلو، ۱۳۹۷: ۸۹). در تصاویر زیر نقش این دو حیوان دیده می‌شود:

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

تصاویر ۱۲- نقوش مرغ و خروس در گلیم سفره‌ی کردی

نقش نمادین پرندگان علاوه بر دست‌بافته‌ها «در اساطیر و قصّه‌ها، مظاهر رمزی روانند؛ پاک یا ناپاک» (دلاشو، ۱۳۶۶: ۱۶۲). پرنده، گاه نماد خواب است که می‌توان از طریق آن به ناخودآگاه جمعی دست یافت. همچنین نماد روحی است که به پرواز درآمده تا فرد را به سوی ناخودآگاه جمعی هدایت کند. «به خواب رفتن، فرصتی را برای هبوط به درون ضمیر ناخودآگاه و در نتیجه به تجلیّاتش در ناخودآگاه به هنگام خواب و رؤیا فراهم می‌آورد» (هال، ۱۳۷۷: ۱۲۵). پرنده نماد روح است و نقشی واسط میان زمین و آسمان دارد (شوالیه، ۱۳۷۹:۲۰۲). پرنده با آرزو، آزادی، آسمان، ابر، الهام، باد، پیشگویی، پیام‌رسانی، تناسخ روح، تنفس جاودانگی، حاصل‌خیزی، خورشید، ذات الهی، روح زندگی، روح هوا، رشد، عجله و شتاب و غیره در ارتباط است. در ایران، پرنده منتقل‌کننده‌ی وحی و سروش، نماینده‌ی عقل کلّ، تجسّمی از آتش، ابر، خورشید و صاعقه است پرنده‌ی روی بلندی (ستون سنگی)، اتّحاد روح و مادّه، اقتدار سلطنتی و توانایی را می‌رساند (جابز، ۱۳۷۰: ۲۹-۲۸).

ماهی: به طور کلّی ماهی نماد حاصل‌خیزی و باروری است (هال، ۱۳۹۰: ۱۰۰). ماهی یکی از نمادها یا نشانه‌های همراه ایزد بانوان ماهی و در ارتباط با آب و باروری است (نوغانی، ۱۳۹۱: ۳۸). نقش ماهی هم در متن و هم در حاشیه‌ی گلیم بافته می‌شود. در بعضی از دست‌بافته‌ها، لوزی نمادی از باروری جنس مادّه ماهی است که نمادی از باروری و جنس نر آن بیانگر حیات، زندگی و مظهر فراوانی، آبادانی و تازگی است (طاهری، ۱۳۸۶: ۳۶). تصویر ماهی که در اصطلاح محلّی به آن «ماسی» گفته می‌شود، در اکثر گلیم‌های کردی بافته شده است. به نظر کردها ماهی نماد فراوانی و برکت است و می‌گویند: «اگر در خواب ماهی ببینی به پادشاهی می‌رسی» (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۵). در نهایت ماهی در گلیم سفره‌ی کردی جایگاهی مثبت دارد و نماد فراوانی، برکت و حاصلخیزی است. در مواردی که به صورت جفت بافته شده‌اند، نماد وصلت و فراوانی هستند. نقش‌بافته‌ی حیوانی دیگر، روباه است؛ این حیوان «مظهر موزی‌گری، زیرکی و حیله‌گری است. برای تمایز روباه از سگ بافنده دم روباه را بلندتر و به سمت زمین ترسیم می‌کند» (ذوالفقاری کیکانلو، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

مرغابی: در روان‌شناسی گلیم کردی مرغابی‌ها پاسبان آب هستند و اهمیّت این پرنده از این لحاظ است که منبع درآمد روستاییان، کشاورزی است و آب برای آن‌ها نقش حیاتی دارد و باعث می‌شود که این موجود برای آن‌ها تقدّس پیدا کند. به‌طور کلّی این پرنده نماد سالی پرآب و برکت است و این رسم بین کردها وجود داشته که اگر با سالی پرآب مواجه می‌شدند، یک گلیم با طرح مرغابی می‌بافتند. تصویر مرغابی در بافته‌های سفره‌ی کرمانجی به صورت زیر است:

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۰
پاییز و زمستان ۱۴۰۰

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

تصویر ۱۳- نقش روباه در گلیم سفره‌ی کردی

تصویر ۱۴- نقش مرغابی در گلیم سفره‌ی کردی

آهو (جِیران): نماد قدرت و شکار حیوانات است که بافنده از این طریق شکر و سپاس خود را نسبت به استواری روزی خود بیان می‌کند. چون این دسته از حیوانات گروهی زندگی می‌کنند، از این‌رو بافنده تعداد آن‌ها را در دسته‌های سه‌تایی و پنج‌تایی نشان می‌دهد:

تصاویر ۱۵- نقوش آهو (جیران) در گلیم سفره‌ی کردی

شتر: نقش شتر نماد زایش، حرکت و کوچ است. شتر همچنین نمادی از ثروت و کامیابی را نشان می‌دهد. شتر معمولاً بخشی از شیربهای یک نوعروس کردی را تشکیل می‌دهد. از این‌رو، نقش آن به همراه تصویر یک دختر در گلیم‌هایی که به‌عنوان جهیزیه به عروس می‌دادند، بافته می‌شد (ذوالفقاری کیکانلو، ۱۳۹۷: ۱۰۲). در تصاویر زیر نگاره‌ی هر دو شکل شتر (به همراه دختر و به تنهایی) قابل مشاهده است:

تصاویر ۱۶- نگاره‌ی شتر در گلیم سفره‌ی کردی

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۰
پاییز و زمستان ۱۴۰۰

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

طاووس: نماد ابدیّت، طول عمر و نامیرایی است. ایرانیان باستان اعتقاد داشتند که طاووس به دلیل نوشیدن آب حیات، عمر جاودانه یافته است و آن را نماد فرشته‌ی اعظم می‌دانند (پایدارفرد و شایسته‌فر، ۱۳۹۰: ۱۱۲). تصویر این حیوان نیز در نگاره‌های سفره‌ی کردی به کار رفته است.

اسب: ممکن است در بعضی از طرح‌ها نقش اسب با سگ اشتباه گرفته شود امّا پاهای اسب به نسبت پای سگ بلندتر و گردنش کشیده‌تر است. اسبِ نر نمادی از قدرت و نیرو است و به نسبت سایر نقوش حیوانی کمتر در سفره‌ی کردی بافته شده است (رحَمتی، ۱۳۹۶: ۷۴). تصویر زیر اسب به‌کار رفته از در سفره‌ی کردی.

تصویر ۱۷- نقش طاووس در گلیم سفره‌ی کردی

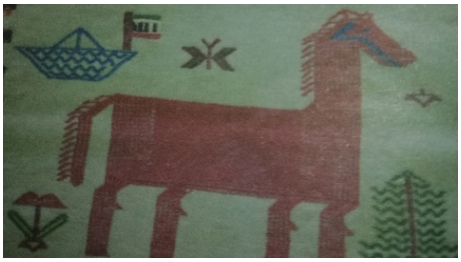

تصویر ۱۸- نقش اسب در گلیم سفره‌ی کردی

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۰
پاییز و زمستان ۱۴۰۰

رتیل یا عقرب: نماد طول عمر، اتّفاق و نیز نشانه‌ی نیرو و دفع شر است (کمندلو، ۱۳۹۵: ۲۸۰). تصویر این حیوان نیز در نگاره‌های کردی قابل مشاهده است:

تصویر ۱۹- نقش عقرب (رتیل) در گلیم سفره‌ی کردی

به‌طور کلّی در گلیم‌های عشایری کرمانج به دلیل ارتباط نزدیک میان انسان و طبیعت از نقوش مرتبط با طبیعت و جانوران به وفور استفاده شده است که در مجموع این نقوش گاه به سبب کاربردشان از جنبه‌ی کشاورزی و تغذیه، به‌عنوان نمادی از خدایان یا عناصری از کائنات به شمار آمده‌اند. تصاویر حیوانات دیگر نظیر عقاب، پروانه و گنجشک نیز در بافته‌های عشایر کرمانج به کار رفته است که در زیر نشان داده می‌شود.

به‌طور کلّی نقش‌های جانوری از پرتکرارترین نشانه‌های موجود در گلیم سفره‌ی کردی به‌شمار می‌آید. از میان تصاویر انواع حیوانات در گلیم کردی، بیشتر نمونه‌ها حیوانات اهلی هستند که در تأمین خوراک، پوشاک، حمل و نقل و گذران روزمره‌ی زندگی به‌ویژه در بین ایلات و عشایر جایگاه بسیار مهمّی دارند. بعضی از نقش‌های حیوانی نظیر طاووس نیز با باور و اعتقادات قومی و فرهنگی کرمانج‌ها مرتبط هستند.

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

تصاویر ۲۰- نقوش عقاب، پروانه و گنجشک در گلیم سفره‌ی کردی

نمادهای انتزاعی (هندسی)

نقوش انتزاعی: انسان‌ها از گذشته‌های دور برای تزئین اشیاء از در هم آمیختن خطوط، اشکال هندسی را پدید آوردند که هر کدام معنا و مفهوم خاصی را برای آن‌ها تداعی می‌کرد. در گلیم سفره‌ی کردی از نقوش انتزاعی بیشتر برای نشان دادن اشیاء و ابزار مورد استفاده‌ی عشایر و بافندگان استفاده می‌شود. مشخّصه‌ی گلیم سفره‌های کردی بهره‌گیری از فرم‌های هندسی است. در این دست‌بافته‌ها نشانی از اشکال منحنی و دوّار دیده نمی‌شود. فرم‌های به‌کار رفته انتزاعی و ترکیب‌شده‌ی نقوش مربع، مثلث و لوزی است که ذهن خلّاق بافنده آن‌ها را با الهام از طبیعت به شکل نمادین درآورده است. در ادامه به برخی از این نقوش که کاربرد بیشتری در سفره‌های مذکور داشته‌اند، پرداخته می‌شود:

قلّاب (چَنگَه): برای ایمنی در مقابل چشم‌زخم است (هال، ۱۳۷۷: ۷۹). این نقش علاوه بر سفره‌های کردی «در گلیم سایر مناطق نیز دیده می‌شود که به منظور حفاظت از آسیب و بلا به‌کار می‌برند» (جزایری، ۱۳۷۰: ۷۲). نقش دیگر مربوط به ستاره است؛ ستاره (جیک): نقش‌مایه‌ای است باستانی که اشاره به نیروی خدایان در گذشته دارد (هال، ۱۳۹۰: ۲۰۹) و نشانه‌ی شادمانی‌است (هال، ۱۳۷۷: ۷۷). این نقش در گلیم سفره‌ی کردی نشانه و مفهوم زمان را می‌رساند؛ زیرا در گذشته ساعت وجود نداشته و ستاره برای مشخّص کردن وقت اذان برای افطار یا سحر کاربرد داشته است. برخی از بافندگان به این نقش، سماور هم می‌گویند؛ زیرا به فرم هندسی سماور شباهت دارد (ذوالفقاری کیکانلو، ۱۳۹۷: ۷۶). در تصویر زیر نگاره‌ی ستاره دیده می‌شود:

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

تصویر ۲۱- نقش ستاره در گلیم سفره‌ی کردی

تُرمانیک یا سوزاریک: سوزاریک به معنی سبزواری است که به شکل عدد هفت و هشت متّصل به هم است. بنا بر گفته‌ی زنان کوچ‌نشین کرمانج این نقش برگرفته از شکل چادر عشایر است و بیشتر جهت جدا ساختن دو فضا از یکدیگر استفاده می‌شود (فهیمی‌فر و صفی‌پور، ۱۳۹۹: ۱۱۸). این نقش به «تُرمانیک» مشهور است؛ زیرا در قالی‌های ترکمنی جایگاه خاصی دارد و از نقوش ترکمنی وارد گلیم‌های منطقه‌ی کرمانج شده است. البتّه گروهی از این ترکمن‌ها به منطقه‌ی راز و جرگلان بجنورد کوچ کردند و همین نزدیکی باعث نفوذ این نقوش در دیگر مناطق خراسان شمالی از جمله کرمانج‌نشین شده است (کاظم‌پور، ۱۳۹۱: ۵۴). نقش دیگر مربوط به شانه است؛ شانه: یکی از نقوش ابزاری است که در گلیم سفره‌ی کردی به ندرت باقته می‌شود. شانه در فرهنگ کرمانج به دو صورت مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اوّل: وسیله‌ای که دختران و زنان برای شانه کردن گیسوان خود از آن استفاده می‌کردند که نماد تمایل بافنده به ازدواج است. دوم: ابزاری است که در فرایند پشم‌ریسی استفاده می‌شود (فیاضی، ۱۳۸۶: ۶۴). نقش‌مایه‌ی شانه در تصویر زیر نمایان است.

بازو و شانه: این نقش نماد قدرت و نیرو است. بافنده با بزرگ‌نمایی بازوان و دست‌های یک انسان، زور و توان را به این صورت بازگو می‌کند (کمندلو، ۱۳۹۳: ۳۷۱). تصویر این نقش در زیر قابل مشاهده است.

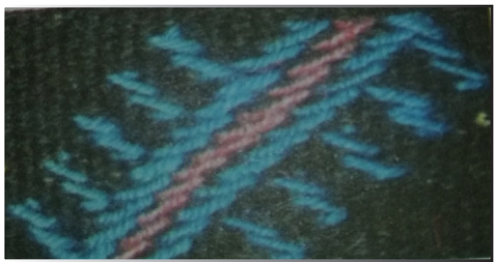

تصویر ۲۲- نقش شانه در گلیم سفره‌ی کردی

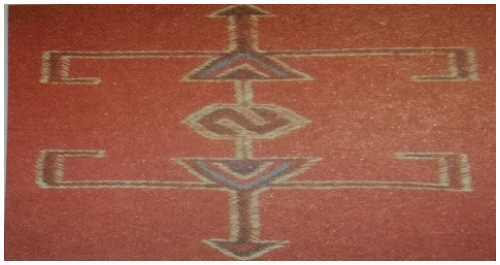

تصویر ۲۳- نگاره‌ی بازو و شانه در گلیم سفره‌ی کردی

در مجموع نقوش گوناگون نمادین به‌کار رفته در گلیم سفره‌ی کردی تأییدکننده‌ی این است که نماد کلمه‌ای است که معنایی فراتر یا غیر از لفظ خود را القاء می‌کند و نشانه‌ای است که نشانگر یک اندیشه، شیء، مفهوم، چگونگی و جز این‌ها می‌تواند باشد. نماد می‌تواند یک شیء مادی باشد که شکل آن به‌طور طبیعی یا بر پایه‌ی

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

قرارداد با چیزی که به آن اشاره می‌کند، پیوند داشته باشد. اگر چه نمادهای بررسی‌شده در پژوهش حاضر ممکن است در برخی از فرهنگ‌ها، گویش‌ها و در بین سایر اقوام دیگر هم دیده شوند امّا نکته‌ی قابل توجّه در این زمینه آن است که «نمادها در ارتباط میان فرهنگ‌ها دست به دست می‌شوند، امّا نباید بر این پندار باشیم که در فرایند مهاجرت هر نماد تمام مفاهیم اسطوره‌ای آن نیز منتقل و پذیرفته خواهد شد؛ زیرا برخی از نمادها به هنگام مهاجرت در کنار فرم، انگاره‌ها و معانی را نیز با خود به همراه می‌برند. امّا بسیاری از نمادها نیز در میهن جدید خود میان اندیشه‌های کهن مردمان حل شده و کارکرد و مفهومی تازه می‌یابند» (شجاعی، ۱۳۹۳: ۲۳).

نتیجه‌گیری

از آن‌جا که نان به‌عنوان خوراک اصلی کوچ‌نشینان کرمانج خراسان شمالی اهمیّت خاصی داشته و این قوم همواره معتقد بودند که برکت و روزی واقعی نان است، برای نگهداری از آن متناسب با شرایط زندگی کوچ‌نشینی از گلیم‌هایی استفاده می‌کردند که اصطلاحاً به آن «سفره‌ی کردی» می‌گویند. بافندگان سفره‌ی کردی به شکل انتزاعی و طبیعت‌گرایانه به ترسیم نقوش پرداخته‌اند؛ از این‌رو، نقوش سفره‌های کردی شامل چهار گروه انسانی، گیاهی، حیوانی و هندسی است که در این میان نقش حیوانی بیش از سایر نقوش مورد توجّه بوده است؛ زیرا در زندگی روزمره‌ی عشایر کرمانج و تأمین نیازهای اصلی و اوّلیه‌ی آن‌ها نقش اساسی دارد.

در میان نقوش حیوانی به حیوانات اهلی و چهارپا نظیر قوچ، بز، خروس، مرغ و آهو که نقش بیشتری در تولید پوشاک و خوراک عشایر کرمانج داشته‌اند، توجّه بیشتری شده است و بیشتر مورد استفاده‌ی بافندگان گلیم سفره‌ی کردی قرار گرفته‌اند. در بین نقوش انسانی هم نقش دختر بیشتر به چشم می‌خورد و شاید به این دلیل باشد که بافت سفره‌ی کردی بیشتر توسّط دختران برای جهیزیه‌ی خود بوده است و علاوه بر آن به طور کلّی زن برای عشایر و قوم کرمانج نماد زندگی و خوشبختی بوده است. در میان نقوش گیاهی نیز پرتکرارترین نقش، درخت است که نشانه‌ی برکت، حیات و امید به زندگی پس از مرگ است و از این‌رو، مقدّس انگاشته می‌شود. کاربرد نقوش هندسی هم در گلیم‌های کردی بیشتر جنبه‌ی نمادین و انتزاعی دارد. در مجموع بیشتر نقوش به کار رفته در گلیم سفره‌های کرمانجی (در هر سه گروه حیوانی، انسانی و انتزاعی) نقوشی است که مفهوم باروری، برکت و حاصلخیزی را می‌رساند.

پی‌نوشت‌ها

۱- نمادهای کلیشه‌ای یا استاندارد، نمادهایی هستند که به علّت کثرت کاربردهای یکسان در گذشته در تاریخ هنر به شکل معانی یکّه‌ای درآمده‌اند و همیشه مبیّن معنای واحدی هستند؛ مانند کوه که نماد استقامت است یا تخم مرغ نماد تولّد، کبوتر سفید نماد صلح و ... نمادهای مستتر به آن دسته نمادهایی گفته می‌شود که معنای آن‌ها در متن اثر هنری تعریف شده و خارج از آن اثر، معروف به این معنا نیستند، در واقع این هنرمند است که معنای آن‌ها را در متن اثر هنری تعریف می‌کند.

۲- کلاغ جزء پرندگان زبده و ممتازی است که مرتبط با دنیای روشنفکرانه، عقل، مداخله‌های هوشمندانه، آگاهی از آینده و... است. یاوران مردم متمدّن‌اند. «در آیین میترا، کلاغ پیکی مقدّس، فرشته‌ای میانجی بین خدایان و مردمان بوده، در قبایل سیبری و در نزد سرخ‌پوستان، کلاغ را تمدّن‌ساز بزرگی می‌دانند. در روایات سنتی، کلاغ راهبر قبایل و نوعی پیر وحی‌گیر است و در همه‌ی نقاط عالم، قصّه‌ها؛ کلاغان و زاغان را مشاوران سرّی ملوک معرّفی می‌کنند» (دلاشو، ۱۳۶۶: ۱۶۶). در برخی قصّه‌ها کلاغان و زاغان بر درونیّات مردمان آگاه‌اند، عواطف آنان را درمی‌یابند و نقش راه‌نما دارند. در اساطیر شمال اروپا و قصّه‌های ژرمنی و... کلاغان مردم را از آن‌چه

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

برایشان سودمند یا خطرناک است، آگاه می‌کنند. این معنای خوشایند پرندگان سیاه، برآمده از کهن الگوها است. در اساطیر، آب حیات در ظلمات است. همین آب حیات را مرغ گوشت‌خواری به زئوس هدیه می‌کند. پرندگان نیکوکار با نزول باران و باروری زمین و زندگی جاوید ارتباط دارند که این خود به نوعی مرتبط با اسطوره‌ی برزگری است. در اساطیر اروپا و آلمان و... کلاغان مردم را از آن‌چه می‌تواند برای آن‌ها سودمند باشد، آگاه می‌کنند (همان: ۱۶۷). مرغانی که نماد فعّالیّت‌های عقلانی هستند بیشتر سیاه هستند. کلاغ نماد عشقِ اندیشیده و سنجیده و بشردوستانه است.

۳- در اسطوره‌ها همه‌ی پرندگانی که به نوعی با لیبدو مرتبط‌اند سفید هستند. کبوتر سفید نماد شهوت‌ها است. پرندگان قصّه‌ها سعی در به‌هم رساندن عاشق و معشوق دارند. نماد تمایلات عاشقانه‌اند. عاملان وصل و محرم مأموران مراسم نامزدی و شیرینی‌خوران و... هستند. مرغان پرنده و خواننده نماد «تصاویر رهایی‌بخش اندیشه و آرزو؛ به‌سان پیکان و باد، نمودار رؤیاهای مهرآمیز، بوسه، نوازش، شوق‌مندی و وجد و سرور و دلی که هنوز تسکین و تشفّی نیافته، محسوب می‌شوند» (همان: ۱۶۲).

■ فهرست منابع

- اکبرزاده، هادی. (۱۳۸۹). درنگی بر معنی «سر سفره» در مصرع «چو سر سفره رخ او توی تو...» از دفتر ششم مثنوی. *پژوهش‌نامه‌ی زبان و ادبیات فارسی*، ۶، ۱۱۹-۱۳۲.
- ایرانی ارباطی، غزاله و محمّد خزائی. (۱۳۹۶). نمادهای جانوری فره در هنر ساسانی. *نگره*، ۴۳، ۱۸-۲۹.
- پاپلی یزدی، محمّد حسین. (۱۳۷۱). کوچ‌نشینی در شمال خراسان (ترجمه‌ی اصغری کریمی). مشهد: آستان قدس رضوی.
- پایدارفرد، آرزو و مهناز شایسته‌فر. (۱۳۹۰). بررسی نقوش در گلیم مردمان کرد خراسان. *هنر و معماری*، ۸۳ و ۸۴، ۴۷-۶۴.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۶). *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- توحّدی، کلیم‌الله. (۱۳۷۱). *حرکت تاریخی کرد* (چاپ دوم). (جلد یک). مشهد: واسع.
- جابز، گرترود. (۱۳۷۰). *سمبل‌ها* (کتاب اوّل: جانوران) (ترجمه‌ی محمّدرضا بقاپور). تهران: اختران کتاب.
- جزایری زهرا. (۱۳۷۰). *شناخت گلیم*. تهران: سروش.
- دلاشو، م. لوفر. (۱۳۶۶). *زبان رمزی قصّه‌های پریوار* (ترجمه‌ی جلال ستّاری). تهران: توس.
- ذوالفقاری کیکانلو، معصومه. (۱۳۹۷). *بررسی نقوش و نگاره‌های سفره‌ی کردی خراسان*. بجنورد: بیژن یورد.
- رحمتی، علی. (۱۳۹۶). *بررسی و شناخت ایلات و طوایف کرد در خراسان*. بجنورد: بیژن یورد.
- رستمی‌نژادان، خاور. (۱۳۹۲). نمادشناسی در فرهنگ مردم کرد. *فرهنگ مردم ایران*، ۳۵، ۹۵-۱۱۲.
- شوالیه، ژان و آلن گربران. (۱۳۷۹). *فرهنگ نمادها* (جلد ۳-۱). (ترجمه‌ی سودابه فضایلی). تهران: جیحون.
- صادقی، سارا، رضا رضالو و فرزاد فیضی. (۱۳۹۸). نمادشناسی نقوش حیوانی در گلیم کردستان. *پژوهش‌نامه‌ی ادبیات کردی*، ۸، ۱۴۱-۱۶۵.
- طاهری، مریم. (۱۳۸۶). *نقش ماهی در فرش‌های موزه‌ی فرش ایران. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی)*. دانشکده‌ی میراث فرهنگی تهران، ایران.
- عابددوست، حسین و زیبا کاظم‌پور. (۱۳۸۸). صورت‌های متنوّع درخت زندگی بر روی فرش‌های ایرانی. *گلجام*، ۱۲، ۱۲۳-۱۴۱.
- فرزاد، عبدالحسین. (۱۳۷۸). *درباره‌ی نقد ادبی*. تهران: قطره.
- فهیمی‌فر، اصغر و اعظم صفی‌پور. (۱۳۹۹). بررسی نقوش گلیم سفره‌ی کردی شمال خراسان. *هنرهای زیبا-*

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]

هنرهای تجسمی، ۸۳، ۱۱۱-۱۲۴.
فیاضی، سمیه. (۱۳۸۶). بررسی گلیم‌های کردی شمال خراسان (شیروان، قوچان، بجنورد). *هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، ۶۱، ۵۶-۶۷.
- کاظم‌پور، داریوش. (۱۳۹۱). مطالعه‌ی نقوش دست بافت‌های خراسان شمالی و استفاده از آن‌ها در طراحی نشانه. *گلجام*، ۲۱، ۴۵-۶۴.
- کمندلو، حسین. (۱۳۹۳). تاریخ فرش‌بافی در گستره‌ی جغرافیایی تاریخ شهرهای خراسان در سده‌های اوّلیه‌ی اسلامی. *پژوهش‌نامه‌ی خراسان بزرگ*، ۵، ۱۰۳-۱۱۸.
- کمندلو، حسین. (۱۳۹۵). *طرح و نقش در فرش‌های عشایری روستایی خراسان شمالی*. سمنان: دانشگاه سمنان.
- کوپر، جی سی. (۱۳۷۹). *فرهنگ مصوّر نمادهای سنّتی* (ترجمه‌ی ملیحه کرباسیان). تهران: فرهاد.
- گوبران، آلن. (۱۳۷۸). *فرهنگ نمادها* (ترجمه‌ی سودابه فضایلی). تهران: جیحون.
- مردانی، آیگین و صدرالدین طاهری. (۱۳۹۹). گونه‌شناسی نقش‌مایه‌های طبیعی گلیم کرمانجی. *پژوهش‌های عالی هنر و کار آفرینی*، ۸، ۴۱-۵۸.
- نوغانی، سمیه. (۱۳۹۱). بررسی نشانه‌های تصویری لوح زن ریسنده متعلق به دوران ایلام جدید. *نگره*، ۲۳، ۳۱-۴۱.
- هاشمی، غلامرضا. (۱۴۰۱). بررسی نمادهای کلیدی در نقوش گلیم‌های عشایر منطقه‌ی خراسان (کرمانج، ترکمن و سنگسر). *هنر خراسان*، ۳، ۵۳- ۶۶.
- هال، آلستر. (۱۳۷۷). *تاریخچه، طرح، بافت و شناسایی گلیم* (ترجمه‌ی شیرین همایون‌فر و نیلوفر الفت شایان). تهران: کارنگ.
- هال، جیمز. (۱۳۹۰). فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه‌ی رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- یاحقی، محمّد جعفر. (۱۳۶۹). *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*. تهران: سروش.
- یاوری، حسین. (۱۳۸۹). *شناخت گلیم و گلیم مانندهای ایران*. تهران: آذرسیمای دانش

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1400.17.40.7.1]